

برخی از واژگان و گزاره های عربی که به اشتباه در زبان پارسی استفاده میشوند						
الف	احمر	استثناء	اعم	اکثر	الی	امثالهم
ب	بصر	بلا شک	بلاصاحب	بلا فاصله	بلامنازع	
پ						
ت	تأسی	تأمل	تحت	تقلیل	تکثیر	توأم
ث						
ج						
چ						
ح	حتی	حداقل	حداکثر	حسنی	حین	
خ						
د						
ذ						
ر	رغم					
ز	زعم					
ژ						
س	سقم	سمع	سوال			
ش						
ص	صحت و سقم	صراحت	صریح			
ض						
ط	طریق	طویل				
ظ						
ع	علی ایهاال	علی رغم	عمود منصف			
غ						
ف	فلذا	فی مابین				
ق	قابلیت	قول				
ک	کبری					
گ						
ل	لاابالی	لابد	لاجرم	لذا	لسانی	لم یزرع
	لیکن					
م	مابقی	مابین	ماتحت	ماحصل	مازاد	ماقبل
	ماهوی	مایحتاج	ماورا	ماوقع	مایملک	مرحومه
	مرتضی	مضاعف	مع	مع الصلوات	ملا عام	منتهی
	منتهی الیه	منصه ظهور				
ن	نشأت	نظر	نقل قول			
و						
ه						
ی						

واژه ی "ما" در عربی برابر با "آنچه" است، مانند "ماحصل" که برابر با "سرانجام" است.

برابر پارسی "علی رغم"، "برخلاف" است.

"صحت و سقم" << "درستی و نادرستی"

"لابد" << بی شک

"حین" << هنگام

"نقل قول" << بازگو

"لذا">> پس، بنابراین

"فلذا" >> پس، بنابراین

"بلا" >> بی، بدون, نا

"صراحت">> روشنی

"صریح" >> روشن

"تأمل" >> درنگ

"قابلیت">> ویژگی

"اکثر">> بیشتر

"الی">> تا، به

"قول" >> گفته

"سوال" >> پرسش

"توام">> همراه

"نشأت" >> سرچشمه، ناشی

"طریق">> راه

"تحت">> زیر

"طویل">> دراز